

## تحولات ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی

کاظم موسی خانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

### چکیده

در جستار حاضر، به ساختار اقسام علم النفس سینوی در برخی آثار شیخ‌الرئیس پرداخته و کوشیده‌ایم با مقایسه ساختار اقسام علم النفس از حیث اجزا و ترتیب در آثار این فیلسوف، تحولات ساختار علم النفس از منظر وی را توصیف و تبیین کنیم. اهمیت تحقیق درباره این مسئله از آن جهت است که ما را به اندازه گامی هرچند کوچک به فهم منطقی حاکم بر تحولات ساختار اقسام علم النفس از منظر شیخ نزدیک می‌کند. تحلیل و توصیف ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار بوعلی نشان می‌دهد این ساختارها از حیث تعداد اجزا دچار نابرابری‌هایی همچون فقدان، زیادت و نقصان در شمار اجزا، و از نظر ترتیب اجزا دچار آشفتگی‌هایی نظیر ناپیوستگی، وارونگی و انتقال هستند. مقایسه و تطبیق اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار ابن سینا به ترتیب زمان تألیف، نشان‌دهنده سیر کلی تحول در آنها و به دیگر سخن، سیری فراینده و در حال نوسان بین پیوستگی و ناپیوستگی است. تبیین تحولات ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی نشان می‌دهد این تحولات افزون‌بر بعضی عوامل بیرونی، ناشی از تحولاتی درونی هستند که در ساختارهای دو علم طبیعیات و مابعدالطبیعه سینوی رخ داده‌اند.

**واژگان کلیدی:** ابن سینا، علم النفس سینوی، ساختار علم النفس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### مقدمه

مباحثی که علم‌النفس سینوی خوانده می‌شوند، در آثار مختلف شیخ‌الرئیس، اعم از رساله‌ها، تکنگاره‌ها و تألیفات جامع (دایرة‌المعارف‌ها)، ساختارهای گوناگون دارند. در مقاله حاضر، با پی‌گرفتن سیر زمانی گوناگونی‌های ساختار اقسام مسائل علم‌النفس در آثار این فیلسوف، تحولات ساختار این اقسام را توصیف و تبیین می‌کنیم.

پیش از تشریح بیشتر این مسئله، ذکر دو نکته ضرورت دارد: نخست، آنکه منظور از ساختار، ترتیبی از اجزای مختلف است که شیء را تشکیل می‌دهند (صلیبا، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۹). مطابق این تعریف، دو مؤلفه اجزا و ترتیب، مقوم ساختار هستند و بنابراین، منظور از ساختار علم‌النفس، ترتیبی از اجزای آن است. نکته دوم، این است که ساختمان هر علم را می‌توان در سطوح مختلف به اجزای گوناگون تجزیه کرد: در سطح نخست می‌توان علم را به ابواب آن تجزیه کرد و از ساختار تبویبی آن سخن گفت؛ در سطح دوم می‌توان علم را به اقسام مسائل تجزیه کرد و ساختار اقسام آن را به دست داد؛ سپس در سطح سوم، اقسام مسائل علم را به قضایا و درنهایت، قضایا را به حدود (مفاهیم) تشکیل‌دهنده آن تجزیه کرد و از ساختارهای گزاره‌ای و حدی علم، پرده برداشت. از آنجا که هر سطحی اجزا و ترتیب خاص خود را دارد، هر سطح، از ساختار مختص به خود نیز برخوردار است. سطح ساختار موردنظر در این مقاله، سطح اقسام مسائل علم‌النفس سینوی است و از این روی، مسئله ما پاسخ‌گویی به چپستی، چگونگی و چرایی تحولات ساختاری علم‌النفس سینوی در سطح اقسام مسائل خواهد بود.

#### پیشینه پژوهش

دیباجی در مقاله خود (۱۳۸۵)، نوآوری‌های شیخ‌الرئیس را برشمرده و معتقد است این نوآوری‌ها و نگاه متفاوت این فیلسوف سبب شده وی علم‌النفس را جدا و مستقل از طبیعیات مطالعه کند و تأسیس و تدوین آن را بر پایه‌هایی متفاوت با دیدگاه ارسطو صورت دهد (دیباجی، ۱۳۸۵، ص. ۵۳-۸۹). استقلال علم‌النفس از طبیعیات، بیش از هر چیز با اجزا و ترتیب ساختار اقسام آن‌ها ارتباط دارد و بدین ترتیب، این نوآوری ادعایی را می‌توان از نوع ساختاری محسوب کرد؛ اما برخی پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهند ارسطو نیز جایگاه حقیقی علم‌النفس را طبیعیات ندانسته؛ چنان‌که حسینی در مقاله خود (۱۳۹۶)، دو دیدگاه رایج در این حوزه را نقد

کرده است: نخست، دیدگاهی که براساس آن، ارسطو جایگاه علم النفس را طبیعیات دانسته و دیگری دیدگاهی که در آن بر دویبخشی بودن این جایگاه در طبیعیات و الهیات تأکید شده است. به عقیده این پژوهشگر، با وجود آنکه ظاهر عبارات ارسطو این دو دیدگاه را تقویت می کنند، با دقت بیشتر درمی یابیم براساس مبانی ارسطویی، جایگاه حقیقی علم النفس، طبیعیات نیست (حسینی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳-۴۰). در مقاله ای دیگر (۱۳۹۷) نیز این پژوهشگر نشان داده ابن سینا مانند ارسطو طبیعیات را جایگاه مناسب علم النفس ندانسته و علمی دیگر را متکفل بحث درباره نفس به شمار آورده است (حسینی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹-۴۳). به هر حال، این قضیه که جایگاه حقیقی علم النفس، مستقل از طبیعیات است، فارغ از اینکه ابداع ابن سینا بوده یا در اندیشه ارسطو نیز سابقه داشته، مربوط به ساختار علم النفس سینوی است که با واقعیت ساختار علم النفس در برخی آثار شیخ تقابل دارد؛ زیرا مسائل علم النفس در آثار مختلف بوعلی، جایگاهی یکسان ندارند و دارای ساختاری متغیر و متطور هستند؛ بنابراین، سخن گفتن درباره ساختاری واحد به عنوان ساختار حقیقی علم النفس سینوی و تعیین جایگاهی واحد به عنوان جایگاه حقیقی برای آن، مستلزم نادیده گرفتن واقعیت تاریخی ساختار علم النفس در آثار شیخ است و از این روی، برخلاف پژوهش های مذکور که در آنها درباره جایگاه حقیقی مسائل علم النفس از نظر ابن سینا سخن گفته شده است، در مقاله حاضر، به ساختار واقعی اقسام مسائل علم النفس سینوی، یعنی ساختار تحقق یافته در آثار او می پردازیم. در این مقاله، با رویکرد تاریخی - متنی و براساس مفهومی که از مقومات ساختار و سطوح مختلف آن بیان شد، درصدد پاسخ گویی به سؤال های مطرح شده درخصوص چیستی، چگونگی و چرایی تحولات این ساختار هستیم. از مهم ترین ثمرات شناخت چیستی و چگونگی ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار بوعلی، آن است که در پی وضوح هویت و ماهیت این علم، به تمایزبخشی آن از علوم دیگر کمک می شود. شناخت چرایی تحولات این ساختار نیز در پی تبیین علل و عوامل آنها، علاوه بر آنکه به شناخت ما از علم النفس سینوی، عمق می بخشد، بر ابعاد اندیشه ابن سینا در تولید ساختارهای گوناگون اقسام مسائل علم النفس در آثار مختلف این فیلسوف نیز روشنی می افکند.

### پرسش های تحقیق

برای جلوگیری از درآمیختن جنبه های مختلف از مسئله اصلی این مقاله، آن را به سه پرسش خردتر بدین شرح تجزیه می کنیم و براساس ترتیب منطقی به آنها پاسخ می دهیم:

الف) ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی در آثار شیخ الرئیس، چه اجزا و ترتیبی دارد؟ (مسئله توصیفی)

ب) چه تحولاتی در اجزا و ترتیب ساختار آن‌ها روی داده است؟ (مسئله تطبیقی)

ج) این تحولات چه علل و عواملی دارند؟ (مسئله تبیینی)

در پاسخ به پرسش اول، ابتدا اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی در آثار بوعلی را نشان می‌دهیم و سپس ساختار آن‌ها را ترسیم می‌کنیم. در پاسخ به پرسش دوم، با مقایسه ساختارهای گوناگون علم النفس در آثار شیخ، وجوه شباهت و اختلاف در اجزا و ترتیب آن‌ها را دسته‌بندی و با پی‌گرفتن سیر زمانی دگرگونی‌های صورت‌گرفته در این ساختارها براساس زمان تألیف آثار، تحولات کلی را مشخص می‌کنیم. در نهایت، در پاسخ به پرسش سوم، علل و عوامل مؤثر در روی‌دادن این تحولات را جست‌وجو می‌کنیم. در ادامه، به هر کدام از این سه پرسش، در بخشی مستقل پاسخ خواهیم داد.

#### ۱. ساختار علم النفس سینوی: اجزا و ترتیب

این بخش از مقاله به پاسخ‌گویی به پرسش اول اختصاص دارد و در پاسخ به این پرسش، اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی در آثار مختلف بوعلی را مشخص می‌کنیم. پیش از هر اقدامی باید دو گونه ساختار را از هم تفکیک کنیم: نخست، ساختاری که ابن‌سینا در آثار علم‌شناختی خود ترسیم کرده؛ یعنی آثاری که وی در آن‌ها اقسام مختلف علوم و اجزا (اقسام مسائل) آن‌ها را برشمرده است؛ دوم، ساختار تحقق‌یافته در آثار مختلف این فیلسوف. گونه اول، ساختار علم‌شناختی و گونه دوم، ساختار تحقق‌یافته نام دارد.

#### ۱-۱. ساختار علم‌شناختی

ابن‌سینا در رساله *أقسام العلوم العقلية*<sup>۱</sup>، اقسام اصلی و فرعی علوم (حکمت) نظری و عملی را احصا و آثار یونانی مشتمل بر هر قسم را مشخص کرده است. مباحثی که علم النفس سینوی نامیده می‌شوند، در این کتاب به صورت پراکنده در اقسام علوم طبیعی و الهی ذکر

۱. برای این اثر در نسخه‌های مختلف و فهرست‌های مؤلفات شیخ، نام‌های مختلفی مانند *أقسام الحکمة*، *تفاسیم الحکمة* و *العلوم*، *أقسام العلوم*، و *أقسام الحکمة* و *تفصیلهما* ذکر شده است؛ اما در ابتدای متن رساله، این اثر *أقسام العلوم العقلية* خوانده شده است (مهدوی، ۱۳۳۳، ص. ۴۱). زمان تقریبی تألیف این رساله را بین سال‌های ۳۹۲ تا ۴۱۲ ق. دانسته‌اند (کدیور، ۱۳۸۷، ص. ۸۷-۸۸).

شده‌اند. این فیلسوف بخشی از مسائل علم النفس را در قسم هشتم از اقسام اصلی علم طبیعی ذکر کرده است:

[۱] الحکمة الطبيعية منها ما يقوم مقام الأصل و منها ما يقوم مقام الفرع و أقسام ما يقوم منها مقام الأصل ثمانية... [و القسم الثامن] يشتمل على معرفة النفس و القوى الإدراكية التي في الحيوانات و خصوصاً التي في الإنسان و نبين أن النفس التي في الإنسان لا تموت بموت البدن و إنها جوهر روحاني إلهي و يشتمل عليه كتاب النفس و الحس و المحسوس (ابن سینا، ۱۳۲۶، ص. ۱۰۸-۱۱۰).

متن [۱] در بردارنده یکی از اجزای ساختار اقسام علم النفس سینیوی است. این جزء از ساختار اقسام علم النفس را می‌توان قسم طبیعی علم النفس نامید. از آنجا که ساختار علم شناختی را به‌مثابه معیاری برای تحلیل ساختارهای تحقق‌یافته در آثار شیخ به‌کار می‌بریم، مسائل (۱) قسم طبیعی علم النفس را جهت تسهیل و تدقیق بیشتر در بازشناسی اجزای ساختار تحقق‌یافته در آثار این فیلسوف به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱-الف) شناخت نفس و قوای ادراکی نفس حیوانی و انسانی؛

۱-ب) اثبات نامیرایی و جوهر روحانی بودن نفس انسانی.

ابن سینا کتاب فی النفس و الحس و المحسوس (ارسطو، ۱۹۸۰) را مشتمل بر مسائل این قسم از علم طبیعی دانسته است. در جدول‌هایی که در ادامه می‌آید، اقسام مسائل این دو کتاب را مشاهده می‌کنیم:

#### جدول ۱. ساختار کتاب فی النفس ارسطو

قسم	فی النفس
	دفتر اول
۱-الف	۱. اهمیت و دشواری روش علم النفس؛ ۲. عقاید در باب نفس؛ ۳. نقد نظریه «نفس، محرک خود است»؛ ۴. نقد نظریه «نفس ائتلاف است»؛ ۵. نظریه «نفس، عددی محرک خود است»، نظریه «نفس، حال در تمام شیء است» و وحدت نفس.
	دفتر دوم
۱-الف + قوة نباتی	۱. تعریف نفس؛ ۲. تعلیل تعریف نفس؛ ۳. قوای نفس در موجودات زنده؛ ۴. قوة نباتی یا قوة غاذیه؛ ۵. قوة حساسه؛ ۶. متعلقات حواس؛ ۷. باصره و مبصر؛ ۸. سامعه و صوت؛ ۹. شامه و بو؛ ۱۰. ذائقه و طعم؛ ۱۱. لامسه و ملموس؛ ۱۲. طرز عمل کردن احساس به‌طور کلی.
	دفتر سوم
۱-الف +	۱. در وجود حس ششم، حس مشترک و نخستین عمل آن؛ ۲. حس مشترک، دنباله بحث؛

قسم	فی النفس
قوة	دومین و سومین عمل آن؛ ۳. تفکر، ادراک و تخیل؛ ۴. عقل منفعل؛ ۵. عقل فعال؛ ۶. اعمال عقل؛
محركة	تعقل مرکبات و تعقل بسایط؛ ۷. عقل عملی؛ ۸. عقل، حس و تخیل؛ ۹. قوة محرکه؛ ۱۰. علت حرکت در موجودات زنده؛ ۱۱. دنباله علت حرکت در موجودات زنده؛ ۱۲. تأثیر حواس مختلف در حفظ موجود زنده؛ ۱۳. ترکیب جسم دارای حیات و کار اصلی لامسه.

### جدول ۲. ساختار کتاب الحس و المحسوس ارسطو

	الحس و المحسوس
۱-الف	مقاله اول: قوای جزئی ای که در حاس و محسوسات اتد
۱-الف	مقاله دوم: یادآوری و فکر، خواب و بیداری و رؤیا
-	مقاله سوم: طول عمر و کوتاهی آن

به دنبال مقایسه مسائل قسم طبیعی علم النفس در رساله أقسام العلوم العقلية با ساختار دو کتاب ارسطو (جدول های ۱ و ۲) به چند اختلاف عمده پی می بریم. ساختار علم شناختی ابن سینا فاقد مباحث قوای نباتی و قوای محرکه از کتاب فی النفس، و مسائل مقاله های دوم و سوم از کتاب الحس و المحسوس است؛ اما مسائل دسته ۱-ب (اثبات نامیرایی و جوهر روحانی بودن نفس انسانی) را اضافه بر این دو کتاب دارد؛ بدین ترتیب، این سؤال پیش می آید که آیا از میان آثار پیشین، اثری وجود دارد که مشتمل بر مسائل دسته ۱-ب باشد یا خیر. پاسخ گویی به این سؤال، چندان دشوار نیست، کتاب اثولوجیا (افلوپین، ۱۴۱۳ق) که ابن سینا خود، شرحی بر آن نوشته، در برخی میمرها دربردارنده مسائلی درباب نفس است. در جدول زیر، ساختار این کتاب را مشاهده می کنیم:

### جدول ۳. ساختار کتاب اثولوجیا

قسم	اثولوجیا
۱-ب	میمر اول بی جرم بودن نفس و راه نداشتن فساد و تباهی در آن؛ جوهر مجرد نورانی بودن نفس؛ تبیین چگونگی تنزل نفس از عالم عقلی به عالم حسی و اشتیاق به سلوک عقلی و کلام رمزی درباب نفس کلی میمر دوم

۱. از نظر فیلسوفان مسلمان، این کتاب از آثار ارسطو با تفسیر فرفوربوس صوری به شمار می رفته است؛ اما برخی پژوهش های اخیر نشان می دهند این اثر، برگرفته از تاسوعات چهارم، پنجم و ششم افلوپین بوده است.

قسم	اثولوجیا
۱-ب	رجعت نفس به عقل، و تذکر میمر سوم
۱-الف	ماهیت جوهر نفس میمر چهارم
۱-ب	شرف عالم عقل و حُسن آن و اصناف روحانیون (عقول) میمر پنجم
-	باری - تعالی، مبدعات و احوال اشیا نزد او میمر ششم
-	تأثیر کواکب در عالم طبیعت میمر هفتم
۱-ب	هبوط و صعود نفس شریفه میمر هشتم
-	صفت آتش، قوه و فعل میمر نهم
۱-ب	نفس ناطقه و راه‌نداشتن مرگ و فنا در آن میمر دهم
۱-ب	علت اولی و مبدعات او، انسان عقلی و انسان حسی، عالم عقلی

چنان‌که در این جدول می‌بینیم، اثولوجیا شامل مسائل دسته ۱-ب است. با توجه به اینکه کتاب‌های فی النفس و الحس و المحسوس، مسائل دسته ۱-الف را دربر دارند، می‌توان قسم طبیعی علم النفس (۱-الف و ۱-ب) را ترکیبی از مسائل علم النفس در کتاب‌های فی النفس، الحس و المحسوس و اثولوجیا دانست<sup>۱</sup>.

ابن سینا بخشی دیگر از مسائل علم النفس را در دو قسم فرعی از اقسام علم الهی بدین شرح ذکر کرده است:

[۲] [فروع العلم الإلهی] [فمن ذلك] معرفة كيفية نزول الوحي والجواهر الروحانية التي تؤدي الوحي وإن الوحي كيف يتأدى حتى يصير مبصر أو مسموعاً بعد روحانيته وإن الذي يأتي خاصة تكون له تصدر عنه المعجزات المخالفة لمجرى الطبيعة وكيف يخبر بالغيب وإن

۱. در اینجا منظور آن نیست که ابن سینا مطالب این کتب را تکرار کرده؛ بلکه مقصود، صرفاً آن است که این قسم از مسائل در آثار مذکور، سابقه داشته‌اند. شیخ‌الرئیس در این قسم از مسائل، ابداعاتی دارد.

الأبرار الأتقيا، كيف يكون لهم إلهام شبيه بالوحي و كرامات تشبه المعجزات و ما الروح الأمين روح القدس... [و من ذلك] علم المعاد و يشتمل على تعريف الإنسان لو لم يبعث بدنه مثلاً لكان له بقاء روحه بعد موته ثواب و عقاب غير بدنيين... السعادتین الروحانية ببقاء النفس و الجسمانية ببعث البدن... و بمثل ذلك يعرف حال الشقاوة الروحانية... و الجسمانية (ابن سینا، ۱۳۲۶، ص. ۱۱۲-۱۱۶).

در متن [۲]، دو قسم فرعی علم الهی ذکر شده است که دو قسم از مسائل علم النفس را دربر دارد: قسم اول، شامل کیفیت نزول وحی، جواهر روحانی مؤدی وحی، کیفیت مسموع و مبصر شدن وحی، معجزات، اخبار به غیب، الهام شبيه وحی ابرار، کرامات شبيه معجزه، روح الامین و روح القدس است. مسائل این قسم را به دو دسته می توان تقسیم کرد: ۲-الف) تبیین وحی و معجزه انبیا؛ ۲-ب) تبیین الهامات و کرامات اولیا (اشباه وحی و معجزه).  
قسم دوم، مشتمل بر بقای روح، ثواب و عقاب غیربدنی، بعث بدن، و سعادت و شقاوت روحانی و جسمانی است. این قسم (۳)، مسائل مربوط به معاد را شامل می شود.  
ابن سینا هیچ یک از آثار پیشینیان را که مشتمل بر این دو قسم از مسائل علم النفس باشند، نام نبرده و همچنین مسائل این دو قسم در کتب فی النفس، الحس و المحسوس و *اثولوجیا* ذکر نشده است؛ از این روی باید منشأ این دو قسم را یافت.

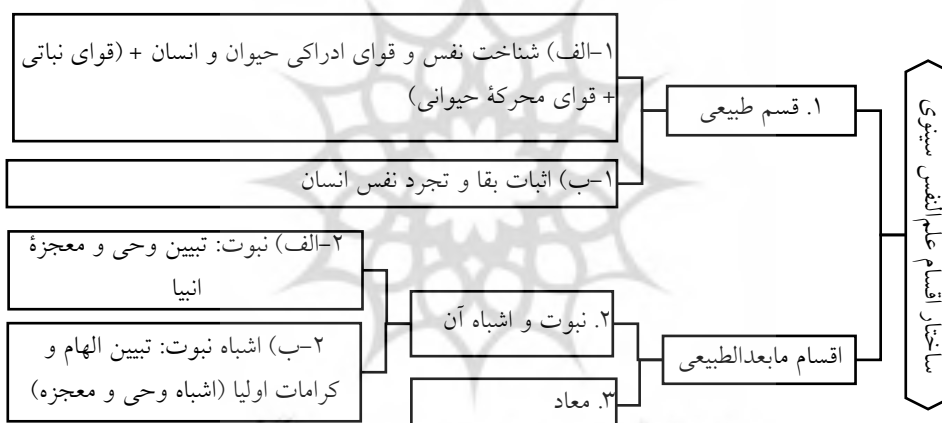
به عقیده گوتاس، مسائل اقسام فرعی از مباحث دینی و آموزه های وحیانی توحیدی برخاسته اند و اعتبار خود را از پیامبر و دعوت او که مبتنی بر اعتقاد به زندگی پس از مرگ است، کسب می کنند (Gutas, 2005, p. 63-71)؛ بنابراین، منشأ این مسائل را می توان آموزه های دین اسلام دانست و این دو قسم (۲-الف و ۲-ب) را اجزای اسلامی علم النفس نامید.

بدین ترتیب، ساختار علم النفس سینوی در *أقسام العلوم العقلية*، دارای سه قسم (یک قسم طبیعی و دو قسم مابعدالطبیعی) بدین شرح است: قسم طبیعی، شامل دو دسته مسائل: یکی ۱-الف با سابقه ارسطویی و دیگری ۱-ب با سابقه نوافلاطونی؛ اقسام مابعدالطبیعی، مشتمل بر ۲-الف و ۲-ب و (۳)، هر دو با منشأ اسلامی.

در این مقاله برای توصیف ساختار تحقیقیافته اقسام علم النفس در آثار شیخ، به ساختاری مبنا و معیار نیاز داریم. ساختار علم شناختی علم النفس در کتاب *أقسام العلوم العقلية*، تنها گزینه در دسترس است؛ زیرا ابن سینا اگرچه در کتاب های دیگر همچون مقدمه



منطق حکمة المشرقیین و منطق شفا به مباحث علم شناسی و تقسیمات علوم پرداخته، برخلاف کتاب اقسام العلوم العقلیة، در این کتب، اقسام مسائل علوم را احصا نکرده؛ بلکه تنها از حیث موضوع، تقسیم بندی های متفاوتی از علوم را به دست داده است؛ بنابراین، غیر از ساختار مورد بحث، ساختار علم شناختی دیگری در اختیار نداریم که اقسام مسائل علم النفس را دربر گیرد. مشکلی که این ساختار برای معیار بودن دارد، آن است که نسبت به ساختار آثار خود شیخ، نواقصی دارد. در تمام آثار بوعلی، مباحث مربوط به قوای نباتی و قوای محرکه حیوانی آمده؛ اما در کتاب اقسام العلوم العقلیة، تنها قوای ادراکی ذکر شده و نامی از دو قوه دیگر نیامده است. از آنجا که این مباحث هم در کتب ارسطو و هم در تمام آثار شیخ، حتی آثار پیش از کتاب اقسام العلوم العقلیة آمده اند، آن ها را به قسم طبیعی ساختار اقسام مسائل علم النفس می افزاییم تا نواقص آن را برطرف کنیم. ساختار حاصل شده را در نمودار ۱ می توان مشاهده کرد:



نمودار ۱. ساختار علم النفس در کتاب اقسام العلوم العقلیة

ممکن است به نظر برسد در ساختار این نمودار، افزوده های قوای نباتی و قوای محرکه حیوانی و دسته بندی مسائل قسم ۱ به دو دسته ۱- الف و ۱- ب، و قسم ۲ به ۲- الف و ۲- ب، نوعی دست کاری در ساختار علم النفس در رساله اقسام العلوم العقلیة است و لذا این ساختار، حالت ساختگی دارد. در پاسخ به این شبهه می توان گفت این مسئله از چند جهت

بی‌اهمیت است: نخست، آنکه مسئله ما این نیست که ساختار علم النفس در رساله *أقسام العلوم العقلية* را با دیگر آثار شیخ‌الرئیس مقایسه کنیم؛ زیرا غرض بوعلی از نوشتن این رساله بنابه گفته خودش آن بوده است که اثبات کند هیچ‌کدام از این علوم با شرع مخالفتی ندارند و انحراف برخی مدعیان فلسفه، نه ناشی از فلسفه، بلکه حاصل عجز و قصور آنها در فهم فلسفه است (ابن‌سینا، ۱۳۲۶، ص. ۱۱۸)؛ بنابراین، غرض شیخ از نوشتن این رساله، به‌دست‌دادن طرحی پیشین برای تدوین و تألیف نبوده است تا مقایسه آن، موضوعیتی داشته باشد. دوم، آنکه ما صرفاً درمقام توصیف به این معیار به‌مثابه ابزاری برای توصیف نیاز داریم که براساس آن بتوانیم اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار شیخ را متمایز و مشخص کنیم؛ ولی درمقام داوری از آن استفاده نمی‌کنیم و بنابراین، ساختگی بودن آن، خللی ایجاد نمی‌کند. سوم، آنکه ما می‌توانستیم خود، چنین ابزار (معیاری) را فارغ از رساله *أقسام العلوم العقلية* بسازیم؛ اما چه بهتر که این رساله، کارمان را تسهیل کرده است.

## ۲-۱. اجزا و ترتیب ساختارهای تحقق یافته علم النفس در آثار ابن‌سینا

در پاسخ به پرسش اول این مقاله، اجزا و ترتیب ساختار تحقق یافته اقسام مسائل علم النفس در آثار شیخ‌الرئیس را با استفاده از ساختار یادشده (به‌عنوان معیار) به‌دست می‌دهیم و سپس ساختار آنها را ترسیم می‌کنیم. آثار موردبررسی در این مقاله، شامل دو دسته از مهم‌ترین آثار شیخ به شرح ذیل هستند:

نخست، رساله‌ها و کتب غیرجامع: *رسالة مبحث عن القوى النفسانية، المبدأ و المعاد و رسالة الأحوال النفس*.<sup>۲</sup>

دوم، کتب جامع (دایرة‌المعارفی): *الشفاء، النجاة، دانشنامه علایی و الإشارات و التنبيهات*.

۱. برای این رساله، سه عنوان مختلف ذکر شده است: نخست، هدیه‌الرئیس *أبی‌علی‌الحسین بن عبدالله بن سینا أهداها للأمیر نوح بن منصور السامانی*؛ دوم، *مبحث عن القوى النفسانية*؛ سوم، *كتاب فی النفس علی سنة الإختصار و مقتضى طريقة المنطقیین* (ابن‌سینا، ۲۰۰۷، ص. ۱۴۵).

۲. این رساله در بعضی نسخ، *كتاب المعاد* و در بعضی نسخ دیگر، *فی النفس الناطقة و فی أحوال النفس یا فی النفس ضبط شده و در مقدمه خود اثر، فی حال النفس الناطقة الإنسانية* نوشته شده؛ چنان‌که در نسخه استانبول، *رسالة فی النفس علی طریق الدلیل و البرهان* و در حاشیه همین رساله، *هذا کتاب المعاد الأصغر* ذکر شده است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳ الف، ص. ۳۰، مقدمه).

الف) ساختار علم النفس در رساله مبحث عن القوى النفسانية (ابن سینا، ۲۰۰۷):

**جدول ۴. ساختار علم النفس در رساله مبحث عن القوى النفسانية**

فصل	مسائل	قسم
۱	اثبات قوای نفسانی	الف-۱
۲	تقسیم قوای نفسانی و تحدید نفس علی الإطلاق	"
۳	قوای نفسانی از امتزاج عناصر حادث نمی شود؛ بلکه از خارج بر آن وارد می شود.	"
۴	قوای نباتی	"
۵	قوای حیوانی	"
۶	حواس پنج گانه و کیفیت ادراک آنها	"
۷	حواس باطنی	"
۸	نفس انسانی از مرتبه آغاز تا مرتبه کمال	"
۹	اقامه براهین بر جوهریت نفس و غنای آن از بدن در قوام	الف-۱
۱۰	اثبات جوهر عقلی مفارق برای نفوس و اتحاد نفس با آن هنگام مفارقت	"

ب) المبدأ و المعاد (ابن سینا، ۱۳۶۳):

**جدول ۵. علم النفس در المبدأ و المعاد**

فصل	مسائل	قسم
۱	نزول و صعود موجودات	-
۲	تکوین نبات	الف-۱
۳	تکوین حیوان	"
۴	تکون انسان و قوای نفس او، و تعریف عقل هیولایی	"
۵	مراتب عقل	"
۶	نحوه وجود معقولات	"
۷	محسوس چگونه متخیل و معقول می شود؟	"
۸	مراتب تجرید صور از ماده	الف-۱
۹	عقل به آلت تعقل نمی کند و نفس با فساد آلت، فاسد نشود.	"
۱۰	حل این شبهه که نفس ناطقه، کمال غیر مفارق است	"
۱۱	کیفیت سببیت نفس ناطقه برای قوای دیگر	"
۱۲	حدوث نفس با حدوث بدن	"
۱۳	ابطال تناسخ	"
۱۴	سعادت و شقاوت حقیقی اخروی	۳

فصل	مسائل	قسم
۱۵	سعادت و شقاوت وهمی اخروی	"
۱۶	کیفیت وحی انبیا	۲-الف
۱۷	کیفیت وحی و رؤیای صادقه، و تفاوت آنها	۲-الف + ۲-ب
۱۸	اموری که انبیا می بینند و می شنوند و از حواس ما پنهان اند	۲-الف
۱۹	اخبار به غیب	۲-ب
۲۰	کیفیت معجزات و کرامات	۲-الف + ۲-ب

ج) رساله الأحوال النفس (ابن سینا، ۲۰۰۷):

جدول ۶. علم النفس در رساله الأحوال النفس

فصل	مسائل	قسم
۱	حد نفس	۱-الف
۲	تعریف قوای نفسانی	"
۳	اختلاف افعال قوای ادراکی نفس	"
۴	اثبات ادراک قوای نفس با آلات	"
۵	گاهی ادراک آنها به آلات نیست.	"
۶	استمداد و استغنائی نفس از بدن	۱-ب
۷	استغنائی نفس از بدن	"
۸	حدوث نفس با حدوث بدن است.	"
۹	بقای نفس	"
۱۰	ابطال تناسخ	"
۱۱	همه قوای نفس برای نفس واحد هستند.	"
۱۲	خروج عقل نظری به فعل	"
۱۳	اخبار به غیب، منامات، وحی و درجات نبوت	۲-الف
۱۴	شبه درجات نبوت در عقل نظری و ترکیه نفس	۲-ب
۱۵	سعادت و شقاوت نفس بعد از مفارقت از بدن	۳
۱۶	سبب تألیف این رساله	-

د) ساختار علم النفس در شفا:

فن ششم از طبیعیات شفا (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب):

جدول ۷. علم النفس در طبیعیات شفا

فصل	مسائل	قسم
	مقاله اول	
۱	اثبات نفس و تعریف آن از حیث نفس بودن	۱-الف
۲	تقض سخن قدما درباره نفس و جوهر آن	"
۳	جوهر بودن نفس	"
۴	تبیین اختلاف افعال نفس بر اساس اختلاف قوای نفس	"
۵	شمارش قوای نفس بر سبیل تصنیف	"
	مقاله دوم	
۱	قوای منسوب به نفس نباتی	۱-الف
۲	اصناف ادراکات انسان	"
۳	حس لامسه	"
۴	چشایی و بویایی	"
۵	حس شنوایی	"
	مقاله سوم	
۱	نور، جسم شفاف و رنگ	۱-الف
۲	نظریات و شبهات درباره نور و شعاع	"
۳	تقض نظریات باطل درباره نور و سخن درباره شفاف و لامع	"
۴	نظریات عرضه شده درباره رنگها و حدوث آنها	"
۵	اختلاف نظریات درباره رؤیت و ابطال نظریات فاسد	"
۶	ابطال نظریات فاسد	"
۷	حل شبهات درباره مبصرات	"
۸	علت رؤیت شیء واحد برای دو شیء	"
	مقاله چهارم	
۱	سخن کلی درباره حواس باطنی حیوان	۱-الف
۲	افعال قوه مصوره و مفکره که از حواس باطنی اند	"
۳	افعال قوای متذکره و وهمیه	"
۴	احوال قوای محرکه	"
	مقاله پنجم	
۱	خواص افعال و انفعالات انسان، و بیان قوای نظری و عملی نفس انسانی	۱-الف
۲	نفس ناطقه، منطبع در ماده جسمانی نیست.	۱-ب
۳	کیفیت انتفاع نفس انسانی از حواس، و حدوث آن	"
۴	نفوس انسانی، فاسد و دچار تناسخ نمی شوند.	"

فصل	مسائل	قسم
۵	عقل فعال در نفس ما و عقلی که نفوس از آن منفعل اند	"
۶	مراتب افعال عقل و اعلا مرتبه آن که عقل قدسی است	"
۷	تصحیح نظریات قدما در باب نفس و افعال آن و اینکه واحدند یا کثیر	"
۸	آلات نفس	"

الهیات شفا (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-الف):

#### جدول ۸. علم النفس در الهیات شفا

فصل	مسائل	قسم
	مقاله نهم	۳
۷	معاد: بیان سعادت و شقاوت بدنی و نفسانی	
	مقاله دهم	
۱	تکرار معاد، الهامات و منامات، دعاهاى مستجاب، عقوبات سماوی، احوال نبوت	۳ + ۲-الف
۲	نبوت: اثبات وجوب ارسال نبی و چگونگی دعوت نبی از مردم به سوی الله	۲-الف
۳	بیان منفعت عبادات در دنیا و آخرت	زیادت

ه) النجاة:

طبیعیات النجاة (ابن سینا، ۱۳۷۹):

#### جدول ۹. علم النفس در طبیعیات النجاة

فصل	مسائل	قسم
	مقاله ششم از جزء پنجم	
۱	نفس حیوانی	۱-الف
۲	حواس باطنی	"
۳	نفس ناطقه	"
۴	قوة نظری و مراتب آن	"
	جزء ششم	
۱	طرق اکتساب علوم	۱-الف
۲	ترتیب قوا از حیث ریاست و خدمت	"
۳	تفاوت میان ادراک های حسی، خیالی، وهمی و عقلی	"
۴	هیچ مُدرک جزئی ای مجرد نیست و هیچ مُدرک کلی ای مادی نیست.	۱-ب
۵	تجرد جوهری که محل معقولات است	"
۶	تعقل قوة عقلیه با آلت بدنی نیست.	"

فصل	مسائل	قسم
۷	قوای حیوانی برای نفس ناطقه	الف-۱
۸	اثبات حدوث نفس	ب-۱
۹	نفس با مرگ بدن نمی میرد.	"
۱۰	بطلان قول به تناسخ	"
۱۱	وحدت نفس	"
۱۲	احوال وارد بر نفس ناطقه از وجود عقل فعال	"

إلهیات النجاة (ابن سینا، ۱۳۷۹):

**جدول ۱۰. علم النفس در إلهیات النجاة**

فصل	مسائل	قسم
	مقاله دوم	
۳۷	معاد نفوس انسانی	۳
۳۸	مبدأ و معاد، الهامات و دعاهاى مستجاب و عقوبات سماوی، احوال نبوت	۳ + ۲-الف
		۲-ب +
۳۹	نبوت و کیفیت دعوت نبی	۲-الف
۴۰	عبادات و منفعت آنها در دنیا و آخرت	عبادات

(و) ساختار علم النفس در طبیعیات دانشنامه علایی (ابن سینا، ۱۳۸۳ ج):

**جدول ۱۱. ساختار علم النفس در طبیعیات دانشنامه علایی**

فصل	مسائل	قسم
۲۹	نفس نباتی	الف-۱
۳۰	نفس حیوانی	"
۳۱	لمس، ذوق، شَم و سَمع	"
۳۲	بطلان مذهب پیشینیان درباره دیدار	"
۳۳	مذهب ارسطاطالیس درباره دیدار	"
۳۴	محسوسات مشترک	"
۳۵	حواس باطن	"
۳۶	قوای نفس	"
۳۷	نفس انسان	"
۳۸	عقل و صورت های معقول	"
۳۹	مراتب عقلی	"
۴۰	فعل عقلی، وابسته به آلتی جسمانی نیست.	ب-۱

فصل	مسائل	قسم
۴۱	پذیرنده معقولات، جسم نیست.	"
۴۲	بی‌نیازی فعل عقل از آلت	"
۴۳	بقای نفس	"
۴۴	عقل فعال	"
۴۵	سبب خواب	۲-الف
۴۶	سبب خواب دیدن و خواب درست	"
۴۷	سبب پیوند جان مردم به عالم غیب	"
۴۸	سبب صورت‌های ناموجود که با حس ادراک می‌شوند	"
۴۹	اصل معجزات و کرامات	۲-الف + ۲-ب
۵۰	نفس‌های قوی	۲-ب
۵۱	نفس قدسی پیامبران	۲-الف

ز) ساختار علم النفس در الإشارات و التنبيهات (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج. ۲ و ۳):  
طبیعیات الإشارات و التنبيهات (نمط سوم):

**جدول ۱۲. ساختار علم النفس در نمط سوم الإشارات و التنبيهات**

فصل	مسائل	قسم
۱. تنبيه	وجود نفس انسانی	۱-الف
۲. تنبيه	نفس انسان جز با نفسش ادراک نمی‌کند.	"
۳. تنبيه	محسوس نبودن نفس انسانی	"
۴. وهم و تنبيه	نمی‌توان براساس معلولات نفس، ذات آن را اثبات کرد.	"
۵. اشاره	غیرجسم و غیرمزاج بودن نفس انسان	"
۶. اشاره	اثبات وحدت نفس	"
۷. اشاره	احوال قوای نفس	"
۸. تنبيه	انواع ادراک و مراتب آن	"
۹. اشاره	قوای مُدرکه و احوال آن‌ها	"
۱۰. اشاره	قوای مختص انسان	"
۱۱. اشاره	مراتب قوای نظری نفس در استكمال	"
۱۲. تنبيه	انتقال نفس از معقولات اولی به ثانیه	"
۱۳. اشاره	علت موجدۀ ملکۀ اتصال نفس به عقل فعال	"
۱۴. اشاره	کیفیت حصول اتصال نفس به عقل فعال	"
۱۵. اشاره	نفس ناطقه، جسم و جسمانی نیست.	"



فصل	مسائل	قسم
۱۶. وهم و تنبیه	ابطال قسمت پذیری صورت عقلی در وهم	"
۱۷. وهم و تنبیه	ابطال تقسیم پذیری صورت عقلی به جزئیات	"
۱۸. اشاره	عاقل همان معقول است.	"
۱۹. وهم و تنبیه	علت مقتضی اشتراط	"
۲۰. وهم و تنبیه	قیام بالغیر شرط مقارنه	"
۲۱. تنبیه	یادآوری فصول متقدم	"
۲۲. تکمله نمط سوم	حرکات صادرشده از نفس	"
۲۳. تنبیه	قوای نفسانی	"
۲۴. اشاره	حرکات منسوب به نفس نباتی	"
۲۵. اشاره	حرکات منسوب به نفس حیوانی	"
۲۶. اشاره	حرکات مستدیر فلکی	نفس فلکی
۲۷. مقدمه	اثبات نفوس فلکی	"
۲۸. اشاره	نفس فلک، اراده عقلی دارد.	"
۲۹. تنبیه	اراده عقلی نفس فلک	"
۳۰. موعده و تنبیه	غایت لذاته حصول وضع کلی	"

مابعد الطبیعه الإشارات و التنبیهات (نمطهای هفتم تا دهم):

نمط هفتم: تجرید:

### جدول ۱۳. ساختار علم النفس در نمط هفتم الإشارات و التنبیهات

فصل	مسائل	قسم
۱. تنبیه	کیفیت نزول موجودات و صعود دوباره آنها و بقای نفس ناطقه	۱-ب
۲. تبصره	غیریت نفس و بدن، و عدم حلول نفس در بدن	"
۳. زیاده تبصره	استغنائی نفس از بدن	"
۴. زیاده تبصره	نفس در تعقل ذاتش، نیازمند آلت نیست.	"
۵. زیاده تبصره	تجرد قوه عاقله	"
۶. تکمله	بقای نفس بعد از مرگ بدن	"
۷. وهم و تنبیه	عدم اتحاد نفس ناطقه با صورت عقلی هنگام تعقل آن	"
۸. زیاده تنبیه	بیانی دیگر بر استحاله اتحاد عاقل با معقول	"
۹. وهم آخر و تنبیه	عدم اتحاد نفس ناطقه با عقل فعال به واسطه اتحاد با عقل بالمستفاد	"
۱۰. حکایه	عقل، عاقل و معقول	"
۱۱. اشاره	اقامه دلیل بر امتناع قول به اتحاد علی الإطلاق	"

فصل	مسائل	قسم
۱۲. تذنیب	هر چیزی که چیزی غیرخودش را تعقل کند، تعقلش از آن شیء، صفتی است که حال در آن است.	"
۱۳. تنبیه	اقسام تعقل و احکام آن: تقسیم تعقل بر دو نوع انفعالی و فعلی	"
۱۴. تنبیه	تقسیم علم بر دو نوع انفعالی و فعلی	"
۱۵ تا ۲۴	خارج از علم النفس	-
۲۵. تنبیه	عدم علم، مستلزم عدم سعادت نیست.	۳
۲۶. وهم و تنبیه	خارج از علم النفس	"
۲۷. وهم و تنبیه	جایز بودن مجازات و عذاب انسان با وجود قضا و قدر الهی	"

نمط هشتم: بهجت و سعادت:

#### جدول ۱۴. ساختار علم النفس در نمط هشتم الإشارات و التنبیها

فصل	مسائل	قسم
۱. وهم و تنبیه	لذات خیالی و وهمی از لذات حس خارجی، قوی ترند.	۳
۲. تذنیب	لذات عقلی از لذات حسی خارجی، قوی ترند.	
۳. تنبیه	بیان ماهیت لذت و حقیقت آن	
۴. وهم و تنبیه	سلامتی	
۵. تنبیه	اکراه بعضی بیماران از شیرینی و اشتهای آنها به ترشی	
۶. تنبیه	ذکر تعریف رسم برای لذت	
۷. تنبیه	نحوه حصول لذت و الم	
۸. تنبیه	حصول رغبت با عدم ذوق و وجدان	
۹. تنبیه	برتری داشتن قوت لذت عقلی بر لذت حسی	
۱۰. تنبیه	علت عدم درک لذت عقلی	
۱۱. تنبیه	آلام عقلی و بالاتر بودن آنها از آلام حسی	
۱۲. تنبیه	نقصان در قوای نظری و عملی	
۱۳. تنبیه	وجه نقصان در قوه نظری و احکام آنها	
۱۴. تنبیه	لذات و سعادات عارفان کامل	
۱۵. تنبیه	بهجت نفوس سعادتمند در دوران قبل و بعد از مرگ	
۱۶. تنبیه	بیان حال نفوس مستعد برای کمال	
۱۷. تنبیه	احوال نفوس خالی از علوم و فضایل	
۱۸. اشاره	بیان مراتب موجودات مجرد	
۱۹. تنبیه	کمال مخصوص اشیا جسمانی و عشق ارادی یا طبیعی آنها به این کمال	

نمط نهم: مقامات العارفين:

جدول ۱۵. ساختار علم النفس در نمط نهم الإشارات و التنبیها

فصل	مسائل	قسم
۱. تنبيه	فضيلت عارفان	۲-ب + عرفان شناسی
۲. تنبيه	تعريف زاهد، عابد و عارف	"
۳. تنبيه	غرض عارف و غير عارف از زهد و عبادت	"
۴. اشاره	اثبات ضرورت وجود نبی (ع)	۲-الف
۵. اشاره	غرض عارف فقط حق - تعالی - است.	۲-ب
۶. اشاره	غرض غير عارفان	
۷. اشاره	اولین درجه حرکت عارفان، اراده است.	
۸. اشاره	احتیاج داشتن مرید به ریاضت و اغراض آن	
۹. اشاره	وقت: اولین منزل وجدان نزد عارفان	
۱۰. اشاره	تمکن عارف	
۱۱. اشاره	تسکین و اطمینان عارف در پی طولانی شدن ریاضت	
۱۲. اشاره	آثار ریاضت بر عارف	
۱۳. اشاره	غیبت و عدم غیبت	
۱۴. اشاره	اختیار در دریافت معارف	
۱۵. اشاره	اولین درجه وصال	
۱۶. اشاره	سر عارف	
۱۷. اشاره	غیبت از نفس	
۱۸. تنبيه	نسبی بودن نقصان درجات پایین وصال	
۱۹. اشاره	بیان جمیع مقامات عارفان	
۲۰. اشاره	تأثیر حق - تعالی - بر شناخت عارف	
۲۱. تنبيه	رضای عارف	
۲۲. تنبيه	احوال عارف در اوقات توجه به واسطه سرش به حق	
۲۳. تنبيه	وقوف بر سر القدر	
۲۴. تنبيه	عارف، شجاع، جواد، صفاح و نساء للأحقاد است.	
۲۵. تنبيه	اختلاف عارفان در همم و احوال	
۲۶. تنبيه	مکلف نبودن عارف در حال اتصال	
۲۷. اشاره	کم بودن اهل طریقت و بیان سبب انکار منکران	

نمط دهم: اسرار آیات:

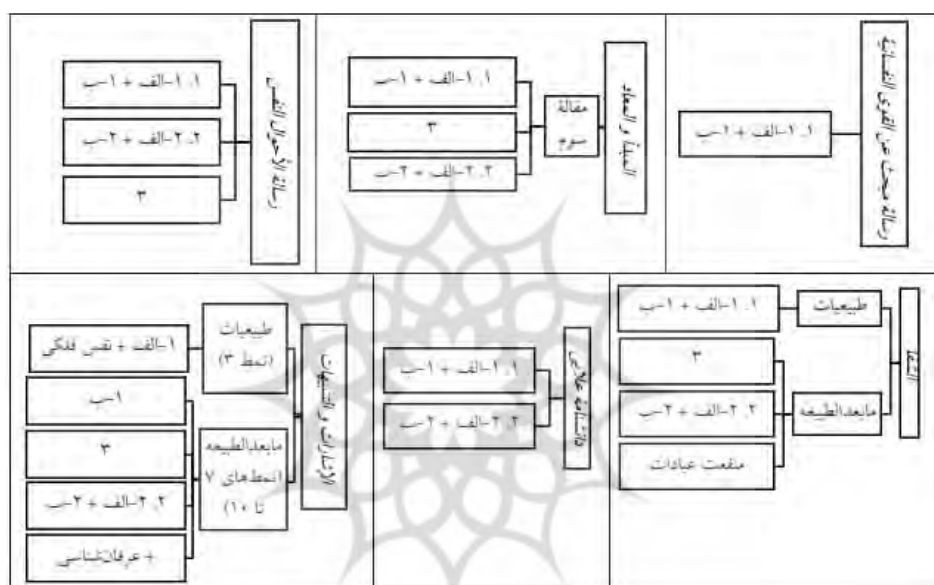
جدول ۱۶. ساختار علم النفس در نمط دهم الإشارات و التنبیها

فصل	مسائل	قسم
۱. اشاره	امکان داشتن توانایی عارف بر امساک از غذا به مدت غیر معمول	۲- ب + عرفان‌شناسی
۲. تنبیه	رفع استبعاد از جواز توانایی عارف بر امساک از غذا	
۳. تنبیه	بیان وجه اجمالی سبب امساک عارف از غذا	
۴. اشاره	بیان وجه تفصیلی سبب امساک عارف از غذا	
۵. اشاره	جواز توانایی عارف بر انجام دادن افعالی که از هموعان او بر نمی آید	
۶. تنبیه	ذکر مثال برای رفع استبعاد از توانایی عارف بر افعال شاقه	
۷. تنبیه	جواز خبر دادن عارف از غیب	
۸. اشاره	تجربه و قیاس، امکان اخبار از غیب را تأیید می کنند.	
۹. تنبیه	امکان اطلاع یافتن از غیب	
۱۰. اشاره	استفاده کردن نفس ناطقه از علوم عقول و نفوس فلکی	
۱۱. تنبیه	توانایی نفس ناطقه در اتصال به عقول و نفوس فلکی	
۱۲. تنبیه	شرایط انتقاش نفس به صور مرتسم در این مبادی	
۱۳. اشاره	اقامة دلیل بر وجود ارتسام خیالی از سبب داخلی	
۱۴. تنبیه	موانع انتقاش نفس به صور	
۱۵. اشاره	اسباب محسوس شدن صور خیالی هنگام خواب	
۱۶. اشاره	سبب مشاهده صور خیالی در حال بیماری	
۱۷. تنبیه	قوة نفوس قوی در حفظ مُدرک	
۱۸. تنبیه	اتصال به عالم قدسی در بیماری و خواب	
۱۹. اشاره	اتصال نفوس قوی به عقول	
۲۰. تنبیه	خواب و بیداری	
۲۱. اشاره	شدت و ضعف اتصال نفس به عقول مفارق	
۲۲. تذنیب	احتیاج داشتن یا نداشتن آثار روحانی به تأویل و تعبیر	
۲۳. اشاره	افعال حیرت‌انگیز	
۲۴. تنبیه	عدم استبعاد تصرف نفس در عناصر عالم	
۲۵. تنبیه	دیگر احوال موسوم به خوارق العادات	
۲۶. تذکره و تنبیه	عدم استبعاد تصرف و تدبیر نفس در عناصر عالم	
۲۷. اشاره	مبدأ افعال غریب: مزاج اصلی، طاری و کسبی	

فصل	مسائل	قسم
۲۸. اشاره	جمع شدن مزاج اصلی و کسبی در جانب خیر	
۲۹. اشاره	تأثیرات نفوس شریر	
۳۰. تنبیه	بیان دیگر اسباب خوارق العادات: نفوس، اجسام عنصری و اجسام سماوی	

### ۳-۱. ترسیم ساختارها

پس از مشخص کردن اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار مختلف ابن سینا، اکنون می توان ساختارهای این اقسام را بدین شرح ترسیم کرد:



نمودار ۲. ترسیم ساختارها

### ۲. تحولات ساختار علم النفس سنیوی

در پاسخ به پرسش دوم این مقاله، ساختارهای علم النفس در آثار شیخ الرئیس را براساس ترتیب زمان تألیف شدن این آثار با یکدیگر مقایسه می کنیم تا سیر تحولات ساختاری علم النفس در آنها را مشخص کنیم. بر مبنای کروئولوژی گوتاس از آثار ابن سینا (Gutas, 2014, p. 165)، ترتیب زمانی تألیف این آثار به صورت تقریبی بدین شرح است: رسالة میحث عن القوى النفسانية (۳۸۷ق)، المبدأ و المعاد (۴۰۳ق)، رسالة الأحوال النفس (۴۰۴ق)،

الشفاء (۴۱۱-۴۱۸ق)، النجاة (۴۱۸ق)، دانشنامه علایی (۴۱۸ق) و الإشارات و التنبيهات (۴۲۱-۴۲۵ق).

در جدول ۱۷، اختلافات و گوناگونی‌های ساختار اقسام علم النفس سینوی را در آثار مختلف این فیلسوف براساس ترتیب زمان تألیف شدن آن‌ها مشاهده می‌کنیم:

جدول ۱۷. تحولات ساختار علم النفس سینوی

ترتیب	اجزا					نام اثر و زمان تألیف آن
	اجزای مابعدطبیعی			اجزای طبیعی		
	قسم ۳	قسم ۲		قسم ۱		
		معاد جسمانی و روحانی	(ب) الهام و کرامت اولیا	(الف) وحی و معجزه انبیا	(ب) تجرد و بقای آن	
پیوستگی	فقدان	فقدان	فقدان	دارد	دارد	رسالة مبحث عن القوى النفسانية (۳۸۷ق)
پیوستگی و آرونگی ۲ و ۳	با تقدم بر ۲	با تأخر از ۳	با تأخر از ۳	دارد	دارد	المبدأ و المعاد (۴۰۳ق)
پیوستگی	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	رسالة الأحوال النفس (۴۰۴ق)
ناپیوستگی و آرونگی ۲ و ۳	با تقدم بر ۲ + منفعت عبادات	با تأخر از ۳	با تأخر از ۳	دارد	دارد	شفاء (۴۱۱-۴۱۸ق)
"	"	"	"	"	"	النجاة (۴۱۸ق)
پیوستگی جابه‌جایی	فقدان	جابه‌جایی به طبیعيات	جابه‌جایی به طبیعيات	دارد	دارد	دانشنامه علایی (۴۱۸ق)
ناپیوستگی جابه‌جایی و آرونگی ۲ و ۳	با تقدم بر ۲	با تأخر از ۳ + عرفان‌شناسی	نقصان و کاهش با تأخر از ۳	جابه‌جایی به مابعدالطبیعه	دارد + نفس فلکی	الإشارات و التنبيهات (۴۲۱-۴۲۵ق)

چنان‌که این جدول نشان می‌دهد، ساختار اقسام مسائل علم النفس در آثار مختلف شیخ در طول زمان، تغییرهایی گوناگون در اجزا و ترتیب بدین شرح داشته است: فقدان (نبود) یک قسم کامل از مسائل)، نقصان (نبود بخشی از یک قسم) و زیادت (بودن مسائلی افزون بر اقسام ذکرشده) در اجزا؛ جابه‌جایی (انتقال از علمی به علم دیگر)، وارونگی (معکوس شدن ترتیب اقسام مسائل) و ناپیوستگی (اتصال نیافتن اقسام مسائل علم النفس در علم واحد و آمدن آن‌ها در دو علم طبیعیات و مابعدالطبیعه).

حال باید دید چه سیر تحول تاریخی معناداری در این تغییرها وجود دارد. شایان ذکر است که ساختار معیاری که برای توصیف ساختارهای آثار شیخ‌الرئیس به‌کار رفت، دیگر در شناخت سیر تحول تاریخی، کارایی ندارد و لذا در اینجا مبنای مقایسه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه باید اجزا و ترتیب ساختارهای آثار را براساس ترتیب زمانی با یکدیگر مقایسه کنیم.

مقایسه تغییرهای صورت‌گرفته در اجزای علم النفس در آثار شیخ بر مبنای ترتیب زمان تألیف، یک سیر تحول کلی از نوع گسترش را نشان می‌دهد. در این سیر، ساختار اقسام علم النفس در آغاز، از این اجزا تشکیل شده: ۱- الف) نفس و قوای آن؛ ۱-ب) مجرد و بقای نفس؛ سپس اجزای نبوت (وحی و معجزه انبیا)، اشباه نبوت (الهام و کرامات اولیا) و معاد به آن افزوده شده است؛ البته این گسترش، چندان یکدست نیست و فرازونشیب‌هایی دارد؛ چنان‌که در آثار اولیه، مباحث وحی، معجزات انبیا و معاد نسبت به الهام و کرامات اولیا تفصیلی‌ترند و در آثار میانی هم روندی افزایشی دارند تا اینکه سرانجام در آثار پایانی به صورت کاهش درمی‌آیند (مانند حذف معاد در *دانشنامه علایی* و کاهش نبوت در *الإشارات و التنبيهات*) و مباحث عرفان‌شناسی به بحث اشباه نبوت افزوده شده است (مانند *الإشارات و التنبيهات*)؛ بدین ترتیب، مراحل روند گسترش اجزای علم النفس به شرح زیر است: ۱. آغازشدن با اجزای (۱-الف) نفس و قوای آن و (۱-ب) مجرد و بقای نفس؛ ۲. اضافه‌شدن اجزای اسلامی؛ ۳. افزایش مباحث اجزای اسلامی با غلبه مباحث نبوت بر اشباه آن؛ ۴. حذف معادشناسی؛ ۵. کاهش نبوت و گسترش مباحث اشباه نبوت.

مقایسه تغییرهای صورت‌گرفته در ترتیب اجزای علم النفس در آثار مورد بحث، یک سیر تحول کلی از وحدت و پیوستگی به سوی ناپیوستگی و انشقاق را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که علم النفس، ابتدا ساختاری واحد و پیوسته دارد و سپس ناپیوستگی‌ای طبیعی-

مابعدالطبیعی در آن رخ می‌دهد. این انشقاق و ناپیوستگی در ترتیب اجزای ساختار علم‌النفس نیز همانند گسترش تعداد اجزای آن، فرازونشیب‌هایی دارد. این ناپیوستگی، ابتدا به صورت حداقلی بوده و صرفاً بین بخش طبیعی و اجزای اسلامی در بخش مابعدالطبیعه (اقسام فرعی) روی داده است؛ سپس در نهایت، به صورت حداکثری درآمده و مباحث نوافلاطونی هم به بخش مابعدالطبیعه منتقل شده است. مراحل روند این ناپیوستگی بدین شرح‌اند: ۱. وحدت و پیوستگی ناقص (فقدان اجزای اسلامی)؛ ۲. وحدت و پیوستگی کامل؛ ۳. ناپیوستگی طبیعی - مابعدالطبیعی حداقلی؛ ۴. وحدت و پیوستگی ناقص (فقدان معادشناسی)؛ ۵. ناپیوستگی طبیعی - مابعدالطبیعی حداکثری.

اگر بخواهیم سیر کلی تحول ساختار اقسام مسائل علم‌النفس در آثار یادشده را براساس دو سیر تحول کلی شناخته‌شده در اجزا و ترتیب آن‌ها به دست دهیم، قاعدتاً باید سیر تحول این مسئله را ترکیبی از این دو سیر بدانیم: سیری افزایشی از پیوستگی به ناپیوستگی. برای اطمینان‌یافتن از صحت توصیف این سیر نباید این نکته را نادیده گرفت که انتخاب ما از آثار شیخ‌الرئیس، نقشی چشمگیر در آن داشته است؛ زیرا اگر هریک از آثار موردبحث را انتخاب نمی‌کردیم، این سیر به گونه‌ای دیگر بود؛ بدان معنا که هر توصیفی از سیر تحول علم‌النفس از منظر بوعلی، تابعی از انتخاب ما از مجموعه آثار اوست و از این روی باید در خصوص اهمیت و کفایت مجموعه انتخاب‌شده اطمینان یابیم. درباره اهمیت هریک از آثار انتخاب‌شده، تردیدی وجود ندارد؛ اما کفایت مجموعه منتخب ما از این نظر که اثری مهم در سیر تحول علم‌النفس شیخ را از قلم نینداخته باشد، مبرا از نقص نیست. دو اثر جامع و مهم شیخ به دلیل از دست رفتن بخش‌های عمده از آن‌ها، در مجموعه منتخب ذکر نشده‌اند: یکی *الحکمة العروضية (المجموع)* و دیگری *حکمة المشرقیین*؛ البته این نقص نه ناشی از انتخاب ما، بلکه ناشی از محدودیت‌هایی خارج از آن است. *حکمة المشرقیین* تقریباً بین سال‌های ۴۱۸-۴۲۰ق. و *الحکمة العروضية* در دوره اولیه تألیفات شیخ، بین سال‌های ۳۸۷-۳۸۹ق. نوشته شده است (Gutas, 2014, p. 165). از بخش‌های طبیعی و مابعدالطبیعه *حکمة المشرقیین*، چیزی باقی نمانده است تا براساس آن‌ها درباره ساختار علم‌النفس، سخنی گفته شود؛ اما با توجه به آنکه زمان تألیف این اثر، نزدیک به دیگر آثار جامع شیخ نظیر *شفاء النجاة*، *دانشنامه علایی* و *الإشارات و التنبیها* بوده، احتمالاً ساختاری



مشابه آن‌ها داشته است؛ با وجود آن، از قضا ترتیب تاریخی آثار منتخب به گونه‌ای است که آثار غیرجامع شیخ در ابتدا و آثار جامع وی در انتها قرار دارند و از آنجا که در آثار غیرجامع، اقسام مسائل، پیوستگی دارند و در آثار جامع غیر از *دانشنامه‌ علائی*، ناپیوستگی دیده می‌شود، سیر آن‌ها از پیوستگی به سوی ناپیوستگی پیش می‌رود؛ لذا ساختار علم النفس در *حکمة المشرقیین*، خواه *شبیبه دانشنامه‌ علائی*، پیوسته باشد و خواه مانند دیگر آثار جامع نظیر *شفا*، *النجاة* و *الإشارات و التنبیها*، دارای ناپیوستگی باشد، چون در بخش انتهایی سیر قرار دارد، تغییری در این سیر ایجاد نمی‌کند؛ اما در *الحکمة العروضية*، وضعیتی کاملاً برعکس را مشاهده می‌کنیم؛ زیرا این اثر، دومین نگاشته شیخ است و از آنجا که تألیف آن قبل از *المبدأ و المعاد* و *رسالة الأحوال النفس* صورت گرفته که ساختارهایی پیوسته دارند، چنانچه ساختار آن دارای ناپیوستگی باشد، سیر تحول شناخته شده متفاوت خواهد بود. مطابق گزارش مهدوی، بیشتر قسمت‌های این کتاب از بین رفته؛ اما از نسخه باقی مانده، طبیعیات و الهیات آن مانند *النجاة* است:

طبیعیات و الهیات *النجاة*، طبیعیات و الهیات *الحکمة العروضية* است که تکمیل شده باشد؛ بدین نحو که شیخ فصولی از *رسالة النفس علی طریق الدلیل و البرهان* [رسالة فی الأحوال النفس] را به جای قسمت نفس طبیعیات *الحکمة العروضية* قرار داده و از آن، مقاله ششم طبیعیات *النجاة* را در باب نفس ساخته است (مهدوی، ۱۳۳۳، ص. ۷۷-۷۸).

چنانچه بخش علم النفس *النجاة* از طبیعیات *الحکمة العروضية* گرفته می‌شود، حداقل می‌توانستیم اجزا و ترتیب بخش طبیعی علم النفس آن را از *النجاة* به دست آوریم؛ اما با توجه به سخن نقل شده از مهدوی در سطور پیشین، قسمت مربوط به نفس از اثری دیگر (*رسالة الأحوال النفس*) گرفته شده است؛ نه از *الحکمة العروضية* و لذا از این طریق، چیزی به دست نمی‌آید.

در بازسازی گوتاس از ساختار ابواب کتاب *الحکمة العروضية* (Gutas, 2014, p. 89) نیز چیزی جز تکرار سخنان مهدوی به دست نمی‌آید و درباره اقسام مابعدالطبیعی علم النفس در کتاب *الحکمة العروضية* هم اطلاعاتی در دست نیست؛ بنابراین، درباره ترتیب ساختار علم النفس در *الحکمة العروضية*، حداقل می‌توان گفت این اثر به لحاظ ترتیب، دارای ناپیوستگی طبیعی - مابعدالطبیعی بوده است؛ اما درباره اجزای آن، چیز زیادی نمی‌دانیم. با

توجه به آنکه این کتاب، دومین اثر شیخ است و نیز این مسئله که مباحث علم النفس در آثار بوعلی، سیری فزاینده دارند، می توان گفت ممکن است تعداد اجزای ساختار علم النفس در *الحکمة العروضية*، بزرگتر از اثر پیش از آن یا مساوی با آن اثر، یعنی رساله *مبحث عن القوى النفسانية*، و کمتر از اثر بعد از آن یا مساوی با آن اثر، یعنی کتاب *المبدأ و المعاد* باشد. اگر ساختار علم النفس در *الحکمة العروضية* بدین صورت باشد، سیر تحول کلی علم النفس در آثار شیخ، متفاوت با سیر آن بدون در نظر گرفتن *الحکمة العروضية* است. با احتساب چنین ساختاری برای *الحکمة العروضية*، صرفاً آثار جامع میانی و پایانی شیخ، دارای ناپیوستگی طبیعی - مابعدالطبیعی نیستند؛ بلکه در آثار اولیه وی نیز این ناپیوستگی وجود داشته است؛ بدین ترتیب، برای اصلاح توصیف خود از سیر کلی تحول ساختار علم النفس سینوی، بهتر است به سیری فزاینده و در حال نوسان و تردد بین پیوستگی و ناپیوستگی قائل شویم.

### ۳. تبیین تحولات علم النفس سینوی

در این بخش، به پرسش سوم مقاله در خصوص تبیین چرایی تحولات ساختار علم النفس سینوی پاسخ خواهیم داد. تبیینی که در صدد به دست دادن آن هستیم، از نوع علم شناختی است و بر این اساس، علل و عوامل تحولات صورت گرفته در ساختار علم النفس سینوی را در تحولات علم شناسی او می جوئیم.

نخست، به این سؤال پاسخ می دهیم که چرا شیخ اجزای اسلامی ساختار علم النفس، یعنی مباحث نبوت، اشباه نبوت و معاد را در آثار جامع به صورت ناپیوسته در بخش مابعدالطبیعه به عنوان اقسام فرعی آورده است. از مطالعات ابن سینا پژوهان می توان دو پاسخ را استخراج کرد. به عقیده گوتاس، علم متناظر با این مباحث، علم کلام است؛ اما از آنجا که بوعلی علم کلام را نه از علوم برهانی، بلکه از علوم جدلی دانسته، آن را در هیچ کدام از دسته بندی های علوم ذکر نکرده و در هیچ یک از آثارش بدان پرداخته است؛ به همین دلیل، وی به این مسائل نه با استفاده از روش کلامی، بلکه بر اساس نظام متافیزیکی خود پرداخته (Gutas, 2005, p. 63-71) و به بیان کوتاه، گوتاس این مباحث را پرکننده خلأ علم کلام در آثار شیخ دانسته است.

مطابق دیدگاه گوتاس، مباحث این دو قسم، متعلق به علم کلام‌اند؛ ولی روش برهانی باعث شده است به مابعدالطبیعه ملحق شوند. مشکل دیدگاه گوتاس، آن است که روش نمی‌تواند عامل الحاق مسئله‌ای به یک علم باشد؛ زیرا علوم دیگری نظیر طبیعیات و ریاضیات، روش برهانی دارند؛ ولی مسائل آن‌ها را نمی‌توان به دلیل همسانی روش به مابعدالطبیعه الحاق کرد. عامل وحدت‌بخش مسائل هر علم و متمایزکننده علوم از یکدیگر، موضوع علم است؛ نه روش و بنابراین باید تبیینی را به دست داد که ارتباط میان موضوعات این مباحث با موضوع مابعدالطبیعه را نشان دهد.

ابن سینا در مقدمه الهیات الشفا، برای مابعدالطبیعه، ساختاری سه‌بخشی در ارتباط با موضوع آن، یعنی موجود بما هو موجود ذکر کرده است:

و يلزم هذا العلم أن ينقسم ضرورة إلى أجزاء: [قسم ۱] منها ما يبحث عن الأسباب القصوى، فإنها الأسباب لكل موجود معلول من جهة وجوده، و يبحث عن السبب الأول الذي يفيض عنه كل موجود معلول... [قسم ۲] و منها ما يبحث عن العوارض للموجود. و [قسم ۳] منها ما يبحث عن مبادئ العلوم الجزئية (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-الف، ص. ۱۴-۱۵).

برتولاچی کوشیده است دو قسم فرعی (اجزای اسلامی) را با موضوع مابعدالطبیعه مرتبط کند. به اعتقاد وی، همان‌گونه که مابعدالطبیعه، مبادی و بنیان معرفتی علوم جزئی تحت شمول خود را که از احوال موجودات جزئی بحث می‌کنند، فراهم می‌آورد، در این دو قسم نیز مبادی پیامبرشناسی و معادشناسی اثبات شده است ( Bertolacci, 2002, p. 5-9). در واقع، برتولاچی این دو قسم فرعی را با قسم سوم از ساختار سه‌بخشی مابعدالطبیعه، مرتبط دانسته است. مشکل موجود در این تبیین، آن است که بوعلی غیر از این مباحث نبوت و معاد، پیامبرشناسی و معادشناسی دیگری ندارد که بخواهد مبادی آن‌ها را اثبات کند.

بدون آنکه دو تبیین یادشده را به کلی خالی از حقیقت بدانیم، در اینجا می‌کوشیم تبیین دقیق‌تری به دست دهیم که مستند به بیان خود شیخ نیز باشد. ابن سینا هنگام پرداختن به این دو قسم، ارتباط آن‌ها با اقسام اصلی مابعدالطبیعه را بیان کرده و گفته است همان‌گونه که در قسم علم الهی به علت اول و علل قصوای موجودات، یعنی نظریه صدور یا نزول هستی پرداخته شده است، به این دو قسم نیز که مربوط به صعود نفس‌اند، پرداخته می‌شود

(ابن سینا، ۱۴۰۴ق-الف، ص. ۴۳۶-۴۳۷). براساس این سخن شیخ درمی یابیم مباحث نبوت، شبهه نبوت و معاد در ادامه قسم اول از ساختار سه بخشی مابعدالطبیعه قرار دارند و به عبارت دیگر، این فیلسوف صعود هستی را پس از نزول هستی مطرح کرده است.

تحول دوم که در رساله *الأحوال النفس* و کتاب *المبدأ و المعاد* مشاهده کردیم، پیوستگی اجزای ۱-الف و ۱-ب با اجزای اسلامی است. قبل از هر چیز باید به این سؤال پاسخ داد که آیا می توان گفت علم النفس با این تحول، به علمی واحد و مستقل از طبیعیات و مابعدالطبیعه تبدیل شده است یا خیر. چنانچه این تحول در یکی از آثار جامع شیخ رخ داده بود، می توانستیم آن را استقلال علم شناختی علم النفس از طبیعیات و مابعدالطبیعه به شمار آوریم؛ اما چون این تحول در دو اثر غیرجامع وی صورت گرفته و در آثار جامع او علم النفس به صورت یکجا و پیوسته نیامده است، نمی توان آن را استقلال علم شناختی علم النفس دانست؛ زیرا استقلال آن صرفاً در ساختار تبویبی است؛ علاوه بر آن، شیخ رئیس در آثار علم شناختی خود، علم النفس را به عنوان علمی واحد در کنار دیگر علوم ذکر نکرده است و بنابراین، عواملی بیرون از عوامل علم شناختی در استقلال تبویبی علم النفس، نقش داشته اند. این عوامل می توانند اغراض تعلیمی و مقتضیات احوال مخاطبان و سفارش دهندگان این آثار باشند؛ چنان که ابن سینا رساله *الأحوال النفس* را در ری برای مجدالدوله دیلمی تصنیف کرد (ابن سینا، ۱۳۸۳ب، مقدمه، ص. ۳۱) و کتاب *المبدأ و المعاد* را به درخواست شخصی به نام محمد بن ابراهیم فارسی نگاشت. شیخ در این کتاب، به علم الربوبیه به عنوان ثمره علم مابعدالطبیعه و علم النفس به عنوان ثمره علم طبیعیات پرداخته است (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص. ۱).

تحول سوم، انتقال اقسام مابعدالطبیعی علم النفس به طبیعیات در *دانشنامه علایی* و حذف معاد است. بوعلی این کتاب جامع را به فرمان علاءالدوله و به زبان فارسی تألیف کرد. وی در این اثر، ترتیبی جدید از ساختار تعلیمی علوم به دست داده و مابعدالطبیعه را مقدم بر طبیعیات آورده است. در مقدمه کتاب می خوانیم: «... این علم را به آخر آموزند؛ هرچند به حقیقت، اول است؛ ولیکن ما جهد کنیم که به اول بیاموزانیم و لطفی به جای آوریم تا مفهوم کنیم...» (ابن سینا، ۱۳۸۳الف، ص. ۸). این ترتیب تعلیمی جدید که با مابعدالطبیعه آغاز می شود، باعث شده است شیخ نتواند اجزای اسلامی علم النفس را در

مابعدالطبیعه بیاورد؛ زیرا اجزای ۱-الف و ۱-ب بر آن‌ها تقدم دارند؛ از این روی، شیخ اجزای اسلامی را به طبیعیات منتقل کرده و بعد از اجزای ۱-الف و ۱-ب آورده است؛ اما حذف معاد ممکن است به این دلیل صورت گرفته باشد که آوردن آن در بخش طبیعیات، ناهمخوان با مطالب این قسمت به نظر می‌رسیده است. ابن سینا رساله الأحوال النفس را که المعاد نیز خوانده می‌شود و آن را نخست، به زبان عربی برای مجدالدوله الدیلمی تألیف کرده بود، برای علاءالدوله به فارسی ترجمه کرد (ابن سینا، ۱۳۸۳، ص. ۳۵-۳۹) و احتمالاً این ترجمه به قصد پرکردن خلأ بحث معاد در دانشنامه‌ی علایی صورت گرفته است.

تحول چهارم، انتقال مسائل مرتبط با تجرد و بقای نفس به مابعدالطبیعه در *الإشارات و التنبیها* (تفکیک حداکثری) است. شیخ پس از آزمودن ساختارهای گوناگون علم النفس در آثار مختلفش (پیوستگی در آثار غیرجامع، یعنی استقلال تبویبی)، انتقال به طبیعیات و ناپیوستگی در آثار جامع)، درنهایت، نه تنها در آخرین اثر جامعش بدان استقلال نبخشیده؛ بلکه ساختاری ناپیوسته را برایش برگزیده و تفکیک طبیعی - مابعدالطبیعی مسائل آن را تشدید کرده است. انتقال این مسائل بدان علت صورت گرفته است که آن‌ها با وجه غیرمادی نفس، مرتبط‌اند و بنابراین، با قسم اول مابعدالطبیعه تناسب دارند.

تحول پنجم، حذف مباحث وحی و نبوت و در عوض، گسترش دادن مباحث اشباه نبوت و کشاندن آن به عرفان‌شناسی (شامل کیفیت ریاضت و احوال عارفان، و تبیین علل کرامات و خوارق عادات آن‌ها) است. قولی مشهور بدین شرح وجود دارد که ابن سینا در سال‌های پایانی عمر خود به عرفان روی آورده و از این روی، در آخرین اثرش، یعنی *الإشارات و التنبیها*، مباحث عرفانی را مطرح کرده است. برخی علت پرداختن شیخ به مباحث عرفانی در *الإشارات و التنبیها* را ملاقات وی با ابوسعید ابوالخیر و درخواست این عارف از وی دانسته‌اند (دیباچی، ۱۳۶۴، ص. ۶۲). فروزانفر این نظر را ناشی از کم‌اطلاعی و تکیه کردن بر مشهورات قلمداد کرده و معتقد است در دوران حیات ابن سینا که آرای اهل تصوف، همه جا منتشر بوده است و حتی در دهات نیز بزرگان تصوف حضور داشته‌اند، بعید است تنها علت پرداختن شیخ به عرفان، دیدارش با ابوسعید بوده باشد (فروزانفر، ۱۳۳۳، ص. ۱۰۹). سخن فروزانفر در نفی انحصار سببیت دیدار ابوسعید برای پرداختن شیخ به مباحث عرفانی، درست است؛ اما مطابق توصیفی که از ساختار علم النفس سینوی

صورت دادیم، مباحث عرفان‌شناسی در *الإشارات و التنبیها*، گسترشی است به مباحث اشباه نبوت که در آثار اولیه بوعلی سابقه دارد؛ نه اینکه او یک‌باره آن را مطرح کرده باشد؛ از این روی باید دید علت گسترش مباحث اشباه نبوت چیست. با توجه به اینکه در آثار پیشین ابن‌سینا مباحث نبوت و معاد بر مباحث اشباه نبوت غلبه داشته‌اند، به نظر می‌رسد چون شیخ این مباحث را در آثار پیشین خود به کمال مطلوبشان رسانده، در پی آن بوده است که مباحث اشباه نبوت را نیز به کمال مطلوبشان برساند و از این روی، آن‌ها را گسترش داده است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، برای توصیف و تبیین تحولات صورت‌گرفته در ساختار اقسام مسائل علم‌النفس سینوی که در آثار بوعلی تحقق یافته است، سه پرسش مطرح و با رویکردی تاریخی - متنی به آن‌ها پاسخ داده شد.

در پاسخ به پرسش اول که در آن، اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم‌النفس سینوی در آثار ابن‌فلسوف، موردنظر بود، ساختار معیاری براساس علم‌شناسی شیخ طراحی شد و برپایه آن، اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم‌النفس سینوی در آثار پیش‌گفته به‌دست آمد (ر.ک: جدول‌های ۴-۱۶) و بر این اساس، ساختار آن‌ها ترسیم شد. قسم‌شناسی مسائل علم‌النفس در آثار شیخ نشان می‌دهد ساختار اقسام مسائل آن‌ها از حیث اجزا نسبت به ساختار معیار، نابرابری‌هایی از قبیل فقدان، زیادت و نقصان دارد و از حیث ترتیب اجزا دچار آشفتگی‌هایی از نوع ناپیوستگی، وارونگی (ترتیب معکوس) و انتقال است.

برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم که در آن، تحولات اجزا و ترتیب ساختارها موردنظر بود، مقایسه و تطبیق تغییرهای صورت‌گرفته در اجزا و ترتیب ساختار اقسام مسائل علم‌النفس در آثار یادشده با یکدیگر صورت گرفت و به ترتیب زمان تألیف آن‌ها پرداخته شد. نتیجه این مقایسه و تطبیق، نشان‌دهنده گسترشی پرفرازونشیب در اجزای علم‌النفس و نیز پیوستگی و ناپیوستگی مترددی در ترتیب اجزایش است که به‌طور کلی می‌توان آن را سیری فزاینده و درحال نوسان بین پیوستگی و ناپیوستگی خواند. این تحولات بدین شرح‌اند:

الف) ناپیوستگی مسائل مربوط به نبوت، اشباه نبوت و معاد در آثار جامع؛

ب) پیوستگی اجزای ۱-الف و ۱-ب با اجزای اسلامی در رساله الأحوال النفس و کتاب المبدأ و المعاد؛

ج) انتقال اقسام مابعدالطبیعی علم النفس به طبیعیات و حذف معاد در دانشنامه علایی؛  
د) انتقال مسائل مربوط به تجرد و بقای نفس به مابعدالطبیعه در الإشارات و التنبیهاث (تفکیک حداکثری)؛

ه) حذف مباحث وحی و نبوت و درعوض، گسترش دادن مباحث اشباه نبوت و کشاندن آن به عرفان‌شناسی (سلوک نفس) در الإشارات و التنبیهاث.

در پاسخ به پرسش سوم که در آن، علل و عوامل این تحولات، مورد نظر است، تبیین علم‌شناختی تحولات مورد بحث صورت گرفت. نتیجه تبیین تحولات صورت گرفته در ساختار اقسام مسائل علم النفس سینوی نشان می‌دهد: تحول اول در تحولاتی علم‌شناختی (درونی) در ساختار اقسام مسائل علم مابعدالطبیعه سینوی ریشه دارد؛ تحول دوم، ناشی از برخی عوامل بیرونی نظیر احوال مخاطبان و سفارش دهندگان آثار شیخ بوده است؛ تحول سوم، ناشی از دگرگونی ساختار تعلیمی است که شیخ در دانشنامه علایی ایجاد کرده؛ علت تحول چهارم، تناسب وجه غیرمادی نفس با مسائل قسم اول از مسائل مابعدالطبیعه است؛ علت تحول پنجم نیز آن است که شیخ مسائل وحی و نبوت را که در آثار پیشین به کمال مطلوب رسانده بوده، حذف کرده و مسائل مربوط به اشباه نبوت را که در آثار پیشین، کمتر بدان پرداخته بوده، گسترش داده است.

#### منابع

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۲۶). تسع رسائل فی الحکمة و طبیعیات: رساله فی أقسام العلوم العقلیه. قاهره: دارالعرب.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). المبدأ و المعاد (عبدالله نورانی، به اهتمام). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). شرح الإشارات و التنبیهاث (مع المحاکمات) (جلد ۲ و ۳). قم: نشر البلاغه.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). النجاة من الغرق فی بحر الضلالات (محمدتقی دانش‌پژوه، مقدمه‌نویس و مصحح). تهران: دانشگاه تهران.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ الف). *الهیات دانشنامه علایی* (محمد معین، مقدمه نویسنده، حاشیه نویسنده و مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ ب). *رسالة نفس* (موسی عمید، مقدمه نویسنده، حاشیه نویسنده و مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ ج). *طبیعیات دانشنامه علایی* (سید محمد مشکوه، مقدمه نویسنده، حاشیه نویسنده و مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ اق-الف). *الشفاه (الهیات)* (سعید زائد و الأب قنوتی، مصححان). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ اق-ب). *الشفاه (الطبیعیات)* (سعید زائد و الأب قنوتی، مصححان). (جلد ۲). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۷). *رسالة فی النفس و بقائها و معادها: رسالة الأحوال النفس و رسالة مبحث عن القوى النفسانية (فؤاد الأهوانی، مقدمه نویسنده و محقق)*. پاریس: دار بیلیون.
- ارسطو (۱۹۸۰). *فی النفس* (عبدالرحمان بدوی، مقدمه نویسنده و محقق). بیروت: دار القلم.
- افلوپین (۱۴۱۳ اق). *اتولوجیا* (عبدالرحمان بدوی، محقق). قم: بیدار.
- حسینی، سید احمد (۱۳۹۶). *نقد دو دیدگاه رایج در خصوص جایگاه علم النفس ارسطویی*. حکمت و فلسفه، ۱۳(۲)، ۲۳-۴۰.
- حسینی، سید احمد (۱۳۹۷). *جایگاه علم النفس از منظر ارسطو و ابن سینا*. پژوهش های فلسفی: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ۱۲(۲۲)، ۲۹-۴۳.
- دیباچی، سید ابراهیم (۱۳۶۴). *ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی*. تهران: امیرکبیر.
- دیباچی، سید محمدعلی (۱۳۸۵). *نوآوری های ابن سینا در علم النفس*. پژوهش های فلسفی-کلامی، ۸(۲۹/۱)، ۵۳-۸۹.
- صلیبا، جمیل (۱۳۶۶). *فرهنگ فلسفی* (منوچهر صانعی دره بیدی، مترجم). تهران: حکمت.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۳۳). *ابوعلی سینا و تصوف*. *مجله یغما*، ۷(۷۱/۳)، ۱۰۵-۱۱۰.
- کدیور، محسن (۱۳۸۷). *ابن سینا و طبقه بندی حکمت: تحلیل، تحقیق و تصحیح رساله أقسام الحکمة*. نشریه جاویدان خرد، ۵(۱)، ۳۵-۱۰۲.
- گوتاس، دیمتری (۱۳۸۷). *حدس و فکر: ساختار بسط تدریجی معرفت شناسی ابن سینا* (رحمت الله کریم زاده، مترجم). *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، ۸(۲۹)، ۱۷۹-۲۱۰.
- مهدوی، یحیی (۱۳۳۳). *فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا*. تهران: دانشگاه تهران.



- Bertolacci, A. (2002). The Structure of Metaphysical Science in the Ilahiyyat (Divine Science) of Avicenna's Kitab Al-Sifa (Book of Cure). *Documenti e Studi Sulla Tradizione Filosofica Medievale*, 13, 1-69.
- Gutas, D. (2005). *The Logic of Theology in Avicenna, Logik und Theologie: Das Organon im Arabischen Mittelalter* (D. Perler and U. Rudolph, Editors). Netherlands: BRILL.
- Gutas, D. (2014). *Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works (Second Revised and Enlarged Edition, Including an Inventory of Avicenna's Authentic Works)*. LEIDEN, BOSTON: BRILL.

